



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۱۰/۱۵

بشیر مومن

جامعه شناسی کرونا

مدت شده که ویروس کرونا جهان را به لرزه در آورده و به یک درد بی درمان میدل گردیده که فهم علمی بشر هنوز قادر به شناخت کامل آن نیست. این حالت پریشان و ترس کرونایی تمامی اهرم های جامعه را به لرزه در آورده است و اقتصاد را فلج کرده است.

علمای طب باورمند اند که کرونا نوعی ویروس تاجدار است که باعث امراض تنفسی شدید میگردد. کرونا از فامیل کلان ویروس های است که میتواند حیوانات و انسانها را کسل بسازد. تاکنون تعداد ازین ویروس های که شناخته شده اند؛ موجب اختلال در دستگاه تنفسی میشوند؛ از سرماخوردگی تا ابتلا به امراض شدیدتری مثل سندروم (مجموعه ای از نشانه یا نشانه ها که مرض خاصی را مشخص می کنند یا نشان می دهند). تنفسی خاورمیانه (مرس- MERS) و سندروم تنفسی حاد (سارس- SARS) متغیر هستند. سارس همان سندرم حاد تنفسی و مرس نوعی از کرونا است که اولین بار ابتلا به آن در منطقه مدیترانه دیده شد. در واقع مرس و سارس یعنی مرحله نهایی حاد تنفسی و نارسایی ریوی که ناشی از ویروس های تنفسی است.

این ویروس که درین اواخر کشف شده است عامل ابتلا به مریضی کووید-۱۹ است. سازمان صحت جهانی نام (COVID-19) را برای ویروس کرونابزرگزید. بقول رئیس سازمان جهانی صحت آدهانوم: کووید ۱۹ این امتیاز را دارد که به مکانی خاص یا حیوانی خاص اشاره نمی کند و فهم آن در مقایسه با نام قبلی بهتر و راحت تر است. در این نامگذاری CO مخفف Corona، VI مخفف Virus و D مخفف Disease به معنای مریضی است. این ویروس نوظهور و مریضی ناشی از آن، تا قبل از شروع طغیان اخیر در دسامبر سال ۲۰۱۹ در شهر ووهان، کشور چین، ناشناخته بود.

بر این بنیاد در یازدهم مارچ ۲۰۲۰ میلادی کرونا از طرف سازمان صحت جهانی WHO پاندمیک (Pandemic) شناخته شد. مفهوم آن این است که این مریضی یک اپیدمی جهانی است که در مناطق بسیار وسیع و گسترده ایی از آدم به آدم انتقال پیدا می کند. این ویروس علاوه بر مریضی های فوق مسبب مریضی خطرناک روانی ترس است که بر تمام جوانب زندگی اجتماعی انسان تاثیر منفی میگذارد! ازین رو موضوع بحث ما اثرات منفی کرونا بر جامعه است. کرونا یک ویروس عامل مریضی است ولی شیوع و گسترش آن در کل جهان به گونه ای نبود که مساله فقط در سطح طبی و صحت باقی بماند. به سرعت اقتصاد، سیاست و فرهنگ را تحت تاثیر قرار دارد. اما قبل از همه منشاء ویروس کوید ۱۹ هر چیزی باشد در هر نقطه ای که باشد اگر تولید بشر باشد و یا نباشد دلیل شیوع آن تکنالوژی و سبک زندگی ماست. در غیر آن خود ویروس که به خودی خود دشمن بشریت نیست. شیوع آن بشریت را رنج می دهد. خود ویروس هم که نشر نمی شود بلکه این روند زندگی مدرنیته و جهانی شدن است که ویروس را از یک منزلی در اوهان چین، وارد پنج قاره جهان می سازد. جامعه شناسان از جمله پیروان ماکس وبر (Karl Emil Maximilian "Max" Weber) باور داشتند که که انسان روز به روز عاقل می شود و عاطفه در آن کمتر می شود، جریان عاطفی و احساسات انسان جای خود را به عقلانیت می دهد. اما مناسبات جامعه بشری آن قدر مغلق است که این نظریه نمی تواند تا آخر تحولات جامعه بشری را توضیح دهد، بلاخره جامعه شناسان بعدی مانند پیتر لودویگ برگر (Peter.L. Berger) و جامعه شناس دیگر [امریکایی](#) ستیو اینگلهارت (Steve Englehart)؛ گفتند که:

اینطور نیست که دنیا به طور خطی افسون زدایی و سکولار می شود و یک دنیای کاملاً عقلانی را پیش رو خواهیم داشت و دین روی هم رفته عقب نشینی کند، بلکه تحقیقات و مطالعات نشان می دهد که بشر روز به روز عقلانی تر شود و اتفاقاً در انسان وجوه غیر عقلانی نیز همچنان وجود دارد.

در شرایط کرونا می بینیم که مردم به سحر و جادو و ملا و بلا، به تعویض، به برخی از رازهای دیگر بیشتر گرایش می نمایند. به خصوص در کشور ما افغانستان که در لایه های زیرین و ناخودآگاه فرهنگی اش یک نوع تقدیرگرایی نهفته است. آنها چهار لایه را ذکر می کنند؛ لایه اول مسئله ها، لایه دوم سیستم ها، لایه سوم جهان بینی ها و گفتمان است

د پانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

که سیستم‌ها از آن‌ها به وجود می‌آیند. لایه چهارم اسطوره‌ها و استعاره‌هاست که پشت لایه سوم است. برای اینکه بتوانیم آینده یک جامعه را بررسی کنیم، باید لایه چهارم را تحلیل کنیم که همان استعاره‌ها و اسطوره‌های یک جامعه است که در اعماق دیرین‌تر لایه‌های اجتماعی نهفته است. چون آنها نهفته هستند و به نحوی در آینده یک جامعه ظاهر میشوند. ما در لایه‌های عمیق اجتماع ما استعاره‌ها و اسطوره‌های دینی داریم که نهفته هستند و در شرایط خاصی فعال می‌شوند و در زندگی حضور پیدا کرده و تأثیرگذار می‌شوند. یکی از شرایطی که اینها فعال می‌شوند شرایط سخت است. زمانی که مشکلات مانند سیل، مریضی، فقر و بحران به وجود می‌آید که زندگی انسان پر باد می‌شود و در هم می‌شکند همان لایه‌ها هم نهفته فعال می‌شوند. در چنین شرایطی به تعبیر «اینگلهارت» امنیت حیاتی انسان لطمه می‌بیند. بر عکس رشد ترقی و تعالی باعث می‌گردد دکان جادوگران و دین فروشان بسته شود، مردم احساس قدرت میکنند و زندگی‌شان رونق می‌یابد و به پیش می‌رود، اما وقتی اینها شکست می‌خورند و لطمه می‌بینند، امنیت وجودی لطمه می‌بیند. دانشمندان فوق معتقد است که در چنین وضعیتی فرصت برای بازخیز دین به وجود می‌آید. بدین ترتیب کرونا نه تنها ترس و وحشت درونی انسانها را از خطرات ناشناخته عیان کرده است بلکه خوردترین رازهای درونی و قاعده‌ها و عقاید افراد را به چالش کشیده است. چنانکه در این دهکده در هم تنیده جهانی و در عصر علم و تکنالوژی پیشرفته قرن بیست و یکم، بدبختانه جمعیت کثیری نسبت به اینگونه پاندمی‌های جهانگیر، اما قابل درک و توجیه پذیر از نظر علمی، همانگونه فکر می‌کنند که اسلاف ما در قرون وسطاء در مقابل طاعون فکر میکردند که آخر دنیا فرا رسیده است. عده‌ای نیز قصداً یا عوامفریبانه برای پیشبرد مقاصد سیاسی خویش با تمسک به توهم و توطئه چینی آن را به شیاطین و اجنه و ارواح خبیثه یا غضب خداوند، و حتی به مکر دشمنان خود نسبت می‌دهند، تا توجیه‌ای باشد اگرچه کرونا شدت خطرناک و مهلک است، و فاصله‌گذاری‌های اجتماعی محو خواهد شد؛ ولی از بخت بد فاصله‌های ذهنی پس مانده از قرون وسطاء و علم مدرن قرن ۲۱ همچنان باقی خواهد ماند. ازین رو تا زمانی که مرز میان علم خرافات و واضح نگردد مداری‌ها و شیاطین در قالب علم در برابر همه موضوعات مانند کرونا اذهان عامه را در اختیار خود خواهد داشت! دانشمندان معتقد اند، اگر جامعه را از نگاه جامعه‌شناسی تاریخ زیر زره بین قرار دهیم؛ سه مرحله را می‌بینیم.

مرحله اول: پیش صنعتی و یا پیش مدرنیته
مرحله دوم: مدرنیته و یا صنعتی
مرحله سوم: جامعه خطر یا اضطراب و یا پسا مدرنیته برای مطالعه هر فاز تاریخی، از چهار متغیر استفاده می‌کنیم.

- ۱ - نوع خطر در هر مرحله
- ۲ - نقش افراد در پیدایی خطرها در هر مرحله
- ۳ - دامنه و قدرت تخریب این خطرات
- ۴ - مسئولیت انسان‌ها در قبال این خطرات!

اول نوع خطر در جامعه پیش صنعتی خطرات عمدتاً ناشی از طبیعت هستند مثل سیل، زلزله، مریضی‌های ویرانگر و... ولی در جامعه مدرنیته، بشر توانست جلوی خطرات طبیعی را تا حدی بگیرد و خطراتی چون رانندگی، سقوط طیاره، حریق، جنگ، خطرات و پرابلمهای ناشی از کار جایگزین آن‌ها شده است. در مرحله سوم یعنی جامعه خطر و اضطرابی، خطرات بر ما تحمیل می‌شوند. مولد آن‌ها هم همین مصنوعات بشری و تکنالوژی‌ها و ادوات صنعتی هست. در مورد تکنالوژی مارتین هایبگر المانی بزرگترین فیلسوف قرن بیستم (Martin Heidegger) سال‌ها پیش به ما هوشدار داده بود که تکنالوژ ماهیتی دارد که خنثی نیست خود را تسلیم محض این ارا به ننمائیم. چون بعدها به نقطه‌ای می‌رسیم که همانند اسیری در بند آن خواهیم شد که نه راه پس داریم و نه راه پیش.

دوم: نقش فرد و انسان در مرحله پیش از صنعتی، چون تمام وقایع با منطق جادو و ارواح تحلیل می‌شوند پس افراد در پیدایش یا رفع خطرها هیچ کاره است. ولی در عصر مدرنیته، بشر برای غلبه بر حوادث و خطرات، کشفیاتی دارد. واکسین برای مقابله با امراض، کیسه هوا و کمربند برای جلوگیری از خطرات تصادف، گذاشتن سیستم‌های ایمنی در طیارات و ریل‌ها و موتورها و کارخانه‌ها و.....

اما در جامعه خطر یا اضطرابی، کنترل بشر به حداقل می‌رسد. مثل حادثه چرنوبیل، یا همین کرونا که دست تکنالوژی در مواجهه با آن‌ها کاملاً بسته است؛ نه دارویی بر آن شفاست و نه جادوی.

باید گفت که خطرات در مرحله پیش صنعتی فقط یک منطقه یا کشور را نابود می‌کرد و تمام می‌شد ولی در مرحله صنعتی این خطرات محدود به یک فضای خاص و یا تجمعات خاص می‌شود برعکس در مرحله جامعه خطر و اضطراب کل دنیا را هدف قرار می‌دهد. در همچو جامعه افراد هیچ اختیاری ندارند فقط اسیر خطرات هستند. برخلاف در مرحله جامعه صنعتی، برای هر چیزی تخصصی وضع گذاشتند. هیچ‌کس در کار کسی دخالت نمی‌کند. مثلاً هر فرد به میل خود می‌تواند نظافت و مواد ضد بکتیریا استفاده کند و یاخیر. می‌تواند منظم دستان خود را بشوید و یا نی و غیره

به عبارتی، همه در مبارزه هستیم. این جنگ برخلاف جنگ های دیگر، کشور مقابلی وجود ندارد. همه ملل، تمام بشریت در برابر یک ویروس کرونا موضع گرفتند. باید در همجو مسایل از سر فکر شود.

معلوم است که انسان به مثابه موجودی اجتماعی همیشه در معرض خطرات، بلاها و حوادث طبیعی و غیر طبیعی بوده است و به همین خاطر باید از سلامت و امنیت خود محافظت کند. این محافظت طالب همبستگی است و عدم همبستگی سلامت اجتماعی را به خطر خواهد انداخت! ویروس کرونا در حال که جنگ و نابسامانی سیاسی از یکطرف و نبود سیستم درست صحتی و غذایی از جانب دیگر در کشور ما شیوع پیدا می کرد: تو گویی که خدا و انسان و طبیعت در تخریب و کشتن افغان و افغانستان مسابقه دارد! گرچه ما در جامعه ما هنوز احصایه دقیق و قابل اعتمادی درباره شمار مبتلایان در دست نداریم ولی یگانه چانس که افغان آورده فقط اکثر جمعیت کشور ما جوان است و به همین دلیل ضریب مقاومت بیشتری نسبت به مریضی کرونا داشته، و میزان مرگ و میر کشورهای اروپایی بیشتر نسبت به افغانستان است! تجارب بشری و پرابلم های طبیعی و غیر طبیعی نشان داده است که این حوادث گاهی عامل وصل کردنهای مردم گردیده و گاهی عامل فصل کردنها بطور مثال احتکار مواد غذایی و صحتی و با لا رفتن نرخوا و... عامل پاشیدن جامعه و همدردی میگردد و فرد گرایی و خود خواهی را تقویت میکند. ولی از جانب دیگر کمک های رایگان برخی افراد تجاری مستقل به مردم همبستگی اجتماعی را تقویت می نمود. آنچه فرهنگ شهروندی مسئولانه در این شرایط از یک یک افراد انتظار دارد اجتناب از کنش های غیر همدلانه تقویت همبستگی اجتماعی است. این کار با توجه به کناره گیری مردم از مکاتب، اداره ها، مغازه ها و جاده ها بیش از پیش دشوار شده است. خود این کناره گیری، نوع دوستی عملی است - کناره گیری میلیاردها نفر به نفع جوامع خود و امنیت خویش. در مرحله اول، به نشانه همبستگی از فضاها و عمومی کناره گیری کردند؛ از یکدیگر فاصله گرفتند تا متحد شوند. با تعطیلی کسب و کارها و مکاتب و در خانه ماندن عمداً مصیبت اقتصادی بی سابقه ای را به وجود آوردند تا در عوض از مرگ انبوهی از مردم جلوگیری نمایند. ازین رو برای بهبود آن هم همه افراد و سازمان ها و حتی افرادی که متضرر گردیده اند، باید احساس مسئولیت کنند، در غیر این صورت بدون اقدام جامع مشترک نمی توان در راستای رفع مشکلات قدم صحیح و موثری برداشت. در اوج بحران باید در پی رفع بحران شد و برای ریشه یابی آن زمان دیگر لازم است. بطور مثال می شنویم که این کرونا محصول چین و با امریکا است! از هر کس و ناکس که باشد درین لحظه مارا یاری نمی رساند! مردم ما تا حد زیاد مردم ناجور و معیوب و بی احساس شده اند، و علتش هم چیزهایی مثل چهاردهه نابسامانی و عدم رشد فردیت و عقب ماندگی و شبیه این هاست. ما از لحاظ فرهنگی جمع گرا هستیم گرچه بسیار عناصر مثبت مان را جهادیون و طالبان لطمه زده اند با وجود آن هم زمینه همبستگی مان هنوز زیاد است و تنها با تکیه به این توان و ظرفیت اجتماعی می تواند این وضعیت را پشت سر بگذارد.

درین بحران اجتماعی که همه را متأثر ساخته؛ مساله رهبری و سازماندهی آن در جامعه ضرورت به همکاری تمام افراد در همه زمینه ها دارد، بحران کرونا که امروز در کشور ما و جهان رخنه کرده، یک بحران اجتماعی است و باید مدیریت شود؛ یکی از موضوعات مهم در مدیریت بحران پیشگیری از انتشار شایعات است، چرا که در زمان هایی که بحران ها رخ می دهند، شایعات هم رواج پیدا می کند و اصولاً شایعه به عنوان یک پدیده اجتماعی وقتی زیاد می شود که دو عامل اهمیت و ابهام دست به دست هم دهند. وجود عامل اهمیت یعنی اینکه موضوعی زندگی انسان را دچار اختلال کند و آن موضوع از نظر رفع و حل شدن اهمیت پیدا کند، مانند موضوع کرونا که اهمیت دارد، چرا که با جان آدمی در ارتباط است و ممکن است فردی مبتلا شود و جان خود را از دست بدهد؛ ابهام یعنی اینکه ندانیم چه چیزی عامل به وجود آمدن مشکل است مانند کرونا که ابهامات فراوانی درباره آن وجود دارد و اینجاست که شایعات زیادی رواج پیدا می کند. در بحران ها نباید به شایعات توجه شود، زیرا سبب افزایش و دامن زدن به آن خواهد شد و در این صورت شایعات فقط شرایط را بدتر و مدیریت بحران در جامعه را سخت تر می کند، در وضعیت های مصیبت بار سازمان دهی آنها از اهم موضوعات است زیرا که مسایل درجه یک باید به زودترین فرصت و با هم امکانات سازمان دهی گردد و عملیات امداد و نجات نیز تسریع شود. بحران های اجتماعی یک پدیده جمعی است که بین همه مردم وجود دارد، اما واکنش افراد نسبت به این بحران اجتماعی متفاوت است و بعضی از افراد می فهمند و می دانند که بحران اجتماعی برای همه جامعه است و پدیده ای است که کل جامعه درگیر آن هستند و نباید زندگی فردی و آرامش فردی خود را در بحران ها بهم بریزند و فقط باید بحران را مدیریت و کنترل کنند تا دچار آسیب نشوند. برای بعضی در خانه ماندن ممکن است فشار روحی در پی داشته باشد اما برای دیگران این کار مایه ویرانگری مالی است. مردم سراسر دنیا به این امر مهم متعهد شدند که امنیت مالی خود را به نفع خیر جمعی فدا کنند. این یکی از وجوه تمایز این بحران بود پرهیز، کار نکردن، جایی نرفتن و به فعالیت ها ادامه ندادن هم نوعی از خود گردی و عقلانیت است. بنابراین یکی دیگر از نکات مدیریت بحران در جامعه مدیریت بحران های فردی است؛ بحران اجتماعی نباید سبب ایجاد بحران فردی شود، حفظ آرامش در بحران حائز اهمیت است. ولی در مورد آگاهی و اطمینان مردم و ایجاد تعادل روحی در جامعه که در معرض امواج مختلف قرار دارد، باید تمام با تمام نیرو وارد عمل شد.

آگاهی مردم و اطلاعات به موقع در شرایط بحران باعث عکس العمل های افراد می گردد. زیرا اگر افراد از مطلب

اطلاع داشته باشد سطح غافلگیری آن هم کمتر و اقدامات آگاهانه خواهد نمود و به این شکل در وضعیت دشوار و ناخوش رفتار درست خواهد کرد. بحران ناشی از ویروس کرونا در های تمام عبادتگاه بست. حتی دست دادن هم ممنوع شده است. فاصله اجتماعی نزدیکی فزاینده را از میان می برد. قرنطین جامعه و آمناش را حتمی ساخته که در آن تجربه اجتماع اصلاً نقش ندارد. به علت وجود ارتباطات دیجیتال، ما به ارتباطات خود ادامه می دهیم اما بدون تجربه جامعه که منبع خوشحالی ماست. این ویروس مردم را منزوی می کند. باعث تجمع تنهایی و انزوایی می شود که در هر حال بر جامعه حاکم بوده است. به مشکل می توان تصور کرد که بعد از این به حالت پیشا کرونا بر گردیم، وقایع این دوران می تواند در روابط انسانها با هم، در روابط انسانها با طبیعت و در روابط بین کشورها موجب تغییر گردد! این تراژدی از همه ما می خواهد که نگاه ما را در باره ای این دهکده به انسان و طبیعت عوض کنیم. باور بر این است تا به بازاندیشی و خود انتقادی در افکار و عملکرد ما نپردازیم، همچنان در این باتلاق، بن بست و زشتیها خواهیم ماند و هر روز هزینه و خسارات آن بر خود و جامعه ما را خواهیم دید. پتر هاندکه (Peter Handke) در یکی از یادداشت هایش می گوید: «چه کسی می گوید که تمام جهان تا کنون کشف شده است؟» جهان عمیق تر از آن چیزی است که ما فکر می کنیم. در قرن بیست و یکم و در حالی که کشور های جهان آماده هرگونه رویارویی نظامی با یکدیگر بودند؛ ثابت شد توانایی مقابله با یک ویروس را ندارند. کرونا ضعف کشور های بزرگ و پرمدا را در زمینه صحت و سلامت مشخص آشکار ساخت. دخالت های بی باکانه وی رحم انسان ها در یک ایکالوژی آسیب پذیر است و تأثیر تغییرات آب و هوایی از این اپیدمی هم ویرانگر خواهد بود. خشونت که انسان علیه طبیعت به کار می برد، با قدرت به خود او بازگشته است. این تناقض دوره جغرافیایی کنونی است؛ در عصر جغرافیایی ای که اصطلاحاً عصر انسان ها نامیده شده، خود انسان بیش از هر زمانی در خطر قرار دارد. اما رابطه انسان با خود و نگاه او به جهان و هستی نیز تغییر خواهد کرد. کرونا همانقدر که اکنون یک چلنج جدی است که انسان ها را به کام خود می کشد، می تواند به فرصتی برای دیدن همدیگر و عشق و محبت به انسان و طبیعت تبدیل شده و عقلانیت و منطق در رهبری سیاسی کشور ها را تقویت و منفعت های شخصی جلوگیری کنند. تقویت نقش جامعه مدنی و مشارکت دادن هر چه بیشتر آن در تصمیم گیری های کلان سیاسی اقتصادی - اجتماعی می تواند تضمینی در این مسیر باشد. امروز بطور اخص در مورد افغانستان وضعیت کنونی از همه ما می خواهد که صادقانه موقف تانرا روشن سازید! یا باید از دولت کنونی با تمام کمبودهای آن دفاع کرد و یا بگذاریم کرونایی دایمی و بی واکسین یعنی پاکستان تحت نام طالب برای همیشه افغانستان را تسخیر نماید !!! به همین ترتیب ما امروز بیش از پیش به همبستگی انسانی و به حرکات هماهنگ نیاز داریم. به دلیل اینکه هر چه جهان پیوسته تر می شود، مشکلات ما هم بیشتر به هم پیوند می خورد، و همکاری جهانی ما برای پرداختن به آن ها ضرورت بیشتری پیدا می کند. اگر با جهان یکجا بودیم این می تواند نهنها یک پیروزی علیه ویروس کرونا باشد بلکه یک پیروزی علیه همه اپیدمی ها و بحران های جهانی باشد که بشریت در قرن ۲۱ تجربه خواهد کرد. ببینید اکثر انسان های روی زمین شاهد هجوم یک گروه در یک نقطه جهان به خریدن دستمال و کاغذ نشناب بودند و به زودترین فرصت در اکثر نقاط جان تکرار شد. بعد همه بشر شاهد انواع مختلف قرنطین و رعایت فاصله بودند و بلافاصله، خودشان را با این رفتار جدید هماهنگ کردند. بعد نوبت به استفاده از ماسک رسید و غیره مسایل در کشورهای مختلف گردید. ما در این مدت مقابله با کرونا، فهمیدیم سیستم پیچیده اجتماعی که بشر ایجاد کرده می تواند به سهولت از وضعیت کمابیش منظم خودش خارج شود. اما مهمترین درک و تشخیصی که نصیب بشر می شود این است که تغییر رفتار هر فرد می تواند باعث تغییر رفتار کل سیستم می شود. سخن اخیر اینکه کرونا خواهد گذشت، بشریت زنده خواهد ماند، بسیاری از ما همچنان به زندگی ادامه خواهیم داد اما جهانی که ما از پس این کرونا به ارث خواهیم برد، جهانی متفاوت از جهان قبل از کرونا خواهد بود. اما یک چیز نزدیک به حقیقت به نظر میرسد که حضور فیزیکی افراد جای خود را به تصاویر دیجیتال و انترنیت خواهد داد. تنهایی بیشتر خواهد شد دقت ها زیادتیر خواهد شد و به این شکل آرام آرام حاکمیت تلفون ها و دنیای اینترنت، جای خالی دوستان و عزیزان ما را پر خواهد کرد.

میدانیم که انسان، موجودی ست که در طول فهم اجتماعی اش، نیاز به رفت و آمد و ارتباطات حضوری و دید وادید دارد ولی دنیای بعد از کرونا، شاید پارتی های فامیلی و تالار های کنفرانس و همه را محروم از حضور فزاینده خواهد نمود!!!!

پایان